

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فائزه محمودی

۰۹ مارچ ۲۰۲۳

## مبارزات آزادی زنان جهان و جریان آزادی زنان افغان در صد سال اخیر

(۲)

بیا ای زن به پا شو بهر هستی

تو استی، هستی ساز در بحر هستی

تو خالق، سرپناه، دلدار به دنیا

به پا کن انقلاب در شهر هستی

«فائزه محمودی»

با نگاهی خیلی گذرا به پسمنظر مبارزات زنان و صیغه کارگری مبارزات و داعیه زنان ستمکش جهان، حالا بر می گردیم به مبارزه زنان در افغانستان در صد سال اخیر. برای اولین بار در تاریخ افغانستان لغو بردگی و کنیزی و آزادی زنان در افغانستان به طور رسمی از بالا از جانب دولت در زمان شاه امان الله اعلام گردید. اما زنان رنج و کار در خانه، مزرعه و در پیشرفت جامعه و تربیه طفل و در تمام مدت و به خصوص در هر سه جنگ با امپریالیسم انگلیس در کنار مردان رزم و کار در صحنه بوده اند.

مردم شجاع و آزادیخواه ما در سال ۱۹۱۹م با مبارزات و رشادت ویژه خود تحت قیادت شهزاده امان الله استقلال وطن را از دست امپریالیسم متجاوز انگلیس به دست آوردند. البته می دانیم که برای شکست امپریالیسم انگلیس، زنان و مردان در آن نبرد استقلال ملی کشور سهم داشتند. زنان یا در پس جبهه غذا و لباس تهیه کردند، به مداوا و مراقبت از مریضان پرداختند و یا در بام ها نشسته هر باری که یک عسکر و یا عساکر آن نمایان می شدند، زنان و اطفال با پرتاب سنگ های تیغه دار در جنگ حصه گرفته اند.

این جنبش آزادی طلبی زنان از بالا توسط شاه امان الله آغاز گردید. شاه موصوف اولین شاه در طول تاریخ مملکت عزیز ما افغانستان بود که از نگاه ملی راه متفاوت از اسلافش را در پیش گرفته و از جنایت و آدم کشی های حکام مستبد و مزدور خاندانی رو گشتانده و آرزو داشت که برای تحول و پیشرفت مملکت کار کند.

البته در این مقاله فقط از مبارزه در باره آزادی زنان در آن دوره سخنی چند بیان می داریم. امان الله با ملکه ثریا دختر محمود طرزی ازدواج کرده بود و محمود طرزی یکی از آزادیخواهان مشروطه آنوقت بود. خاندان طرزی به

اثر اقامت در ترکیه در آن زمان یکی از روشن نگر ترین مردمان جامعه آن وقت بودند. محمود طرزی در پرتو فرهنگ اروپائی به مرد و زن خانواده خود اجازه تحصیل علم را داده بود.

شاه امان الله پس از اعلام دولت مستقل افغانی در صبحدم عصر امپریالیسم و جلوس بر تخت قدرت شاهی، در عرصه های مقننه و اجرائی یک تعداد قوانین و تغییرات زیاد را تصویب و اجرائی کرده و گام های معینی را در راه روشنگری، اشاعه معارف و بیداری و سواد زنان در کشور روی دست گرفت.

وقتی امان الله پس از یک سفر طولانی شش ماهه که به ممالک آسیائی، اروپائی و افریقائی رفت که در آن اهداف ذیل را داشت:

اول معرفی بیشتر مملکت عزیز ما افغانستان؛ دوم تحکیم روابط دوستی با دول اروپائی، آسیائی و افریقائی و شناخت بهتر با اتاترک؛ سوم جست و جوی راه ترقی کشور؛ چهارم توريد فابریکه های جدید؛ پنجم بستن قرارداد استخراج معدن لاجورد؛ ششم کشیدن خط آهن از چمن تا کوشک و کابل بود.

وقتی از سفر برگشت، کوشید اذهان عامه را در قسمت زن تغییر بدهد، از این رو در پغمان در مقابل تمام مردم چادر ملکه ثریا را دور انداخته و به ملت گفت که تا زمانی که زنان شما در پهلوی تان کار نکنند و در تولید حصه نگیرند، پیشرفت جامعه ناممکن خواهد بود. در قانون اساسی افغانستان که بعد حصول استقلال افغانستان در ۱۹۱۹، در سال ۱۹۲۱م که اولین قانون اساسی مملکت عزیز ما افغانستان است، با وجود تغییرات مهم در قانون سرتاسری کشور ما، این قوانین را برای زنان وضع کرده بود:

۱. حق تحصیل

۲. حق مساوی زن با مرد در برابر قانون؛

۳. سن ازدواج زن ۱۸ساله و از مرد ۲۲ساله؛

۴. لغو طویانه و دیگر رسومی که برای زن نرخ «فروخت» و برای مرد کمر شکن بود؛

۵. رفتن اجباری به مکتب،

۶. جلوگیری از طلاق بیجا؛

۷. تعلیم جبری تا صنف شش، جدائی دولت از مذهب، لغو بردگی و مردود اعلام کردن صد ها رسم و رواج کهنه و مزخرف دیگر. برای اولین بار شفاخانه ولادی و نسائی "مستورات" در کابل آباد گردید و یک تعداد دختران افغان را به ترکیه فرستاد تا آموزش قابله گی عمومی و ولادی و نسائی را یاد بگیرند و غیره.

اما به **چهار** علت مبارزه امان الله خان در راه آوردن اصلاحات در جامعه از بالا، ناکام گردید:

**اول:** اصلاحات رژیم امانی از بالا به شکل بوروکراتیک در حالی پیاده شد که افراد خانواده سلطنتی و اعوان و انصار شاه و طبقه بالائی جامعه به جز شاه، ملکه ثریا و نزدیکان خانواده و چند دوست نزدیک دیگرش، نوکر معاشخور امپریالیسم انگلستان بودند و نمی خواستند مملکت ما آباد گردد و مستقل و مترقی باشد.

**دوم:** جامعه کهن ما هنوز به کلی آماده پذیرش این اصلاحات بورژوائی نبود، زیرا نظام نیمه فئودالی در کشور در زیربنا و روبنا حاکم بود و این اصلاحات منافع ارتجاع فئودالی را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهدید به نابودی می کرد. از جانبی، دین اسلام نیز به حیث یک ابزار فکری، با قدرتمندی تمام در خدمت سلطه طبقاتی ارتجاع حاکم فئودالی کشور (عوامل داخلی مادی و ذهنی ستمکشی خلق و به خصوص، زنان) بود و در اذهان توده ها ریشه دوانیده بود.

**سوم:** امپریالیسم انگلیس به مثابه یک ابرقدرت استعمارگر زمان برای تصرف مملکت ما دودسته به شریعت اسلامی چسبیده و در عین تباری با ارتجاع فئودالی مذهبی و غیرمذهبی، منافع استعماری خود را در عقب نگه داشتن مردم ما و به خصوص زنان جامعه ما می دید. از موضع همین منافع استعماری، دولت استعمارگر شکست خورده انگلستان در پی انتقام گیری و مخالفت با استقلال خواهی و ترقی خواهی امان الله و برنامه های اصلاحی دولتش، پیمان نامقدس با این دو نیروی ارتجاعی کشور ما بسته و از داخل و خارج زمینه های سقوط دولتی را که نتوانست در بین توده ها پایه اجتماعی برای خود درست کند، فراهم ساختند.

**چهارم:** رژیم امانی و شخص شاه با خصلت طبقاتی خود و با اتکاء به دستگاه پوسیده و فاسد دولتی، پس از حصول استقلال نتوانست به حل تضاد عمده و اساسی جامعه آن روز افغانستان یعنی "مسأله ارضی" به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین، و بدان وسیله ضربت زدن به فئودالیسم و نابودی پایه اجتماعی امپریالیسم انگلیس در کشور بپردازد. بنا به همین دلیل و دلایل دیگر، رژیم امانی نتوانست در بین توده های خلق پایگاه مطمئن اجتماعی برای خود بیابد.

امپریالیسم انگلیس در صدد سرنگونی رژیم امانی برآمد. علاوه از عوامل اساسی داخلی، امپریالیسم انگلیس در تمام عقب افتادگی جامعه ما نقش داشت و می کوشید تا جامعه افغانی به کلی غرق در خرافات و مذهب باشد تا آن استعمارگر بتواند با استفاده از جهالت و نادانی مردم، با روش "تفرقه بینداز حکومت کن!" و دامن زدن به جنگ شیعه و سنی و تفاوت های قومی، زبانی و حتی جنسیتی در جامعه، برای مردم غافل ما از نیرنگ های استعماری، مشاغل ذهنی خلق کرده و خود بالای مملکت ما حکمرانی کند. همان بود که حضرت ها و مذهبیین شروع به تخریب دولت و شخص امان الله خان کردند و به مردم شریف، اما ناآگاه ما این را تلقین کردند که شاه کافر گردیده است و دیگر مطابق شریعت اسلامی مملکت را نخواهد چرخاند. امان الله خان به دلیل تعلق طبقاتی اش و عدم برخورداری از حمایت توده ای، از مملکت بیرون شد و قدرت را به معین عنایت الله برادر خود داد و به اثر تحریک و حمایت مالی و نظامی امپریالیسم انگلیس و نقش روحانی متنفذ شمالی مرتبط با آن استعمارگر به نام "مولوی قلعه بلند" که فتوای قیام و بغاوت علیه رژیم امانی را داد، پس چهار روز قدرت به "حبیب الله کلکانی" رسید. امان الله که در تاریخ ۱۳۳۶ش مجبور به ترک پایتخت گردیده بود، اول خواست که قدرت را دو باره بگیرد، ولی آن تلاش به دلایل چندی شکست خورد و شاه راهی ایتالیا گردید. "حبیب الله کلکانی" مدت نه ماه حکومت کرد و قانون اساسی ۱۹۲۱م را لغو و تمام قوانین را به اساس دین اسلام ساخت که او نیز پس نه ماه توسط نوکر اصلی انگلیس نادرشاه غدار شکست خورد. نادر به کمک دولت انگلیس قدرت را به دست گرفت و برای حبیب الله سوگند خورد که اوشان را نمی کشد و در حاشیه قران مهر کرد و به دست حضرت به امیر مخلوع فرستاد، لکن بعد از گرفتن قدرت حبیب الله و یارانش را تیرباران کرد و از همین جاست که ملت بر او لقب "نادر غدار" را نامگذاری کرد. نادر غدار نیز پس از چهار سال حکمرانی توسط یک جوان پانزده ساله به اسم "عبدالخالق" در ملاء عام ترور گردید.

با تمام این تغییرات بیان شده، حال زنان افغانستان دو باره باحجاب و چادری که نوع کثیف ترین حجاب ها و زندان زنان است، باقی ماندند. مثل سائر زمانه های قرون وسطی، زنان متعدد نکاهی و غیرنکاهی در زمان حکمرانی شاهان سدوزائی و محمد زائی به وسیله عیاشی و خوشگذرانی پادشاهان و زائیدن اطفال بی سر و پا که اکثراً شاهان اطفال خود را نمی شناختند، تبدیل شده بود. به طور مثال تیمور شاه پسر احمد شاه درانی با وجود لشکرکشی و قتل و قتل برای حفظ قدرت، کار دیگر وی ساختن حرامسرا بود که در این حرامسرا در حدود چهار صد زن داشت که یکی آن که صبیبه ای شربت علی خان و مقبول ترین همه زنان محفل بود، به حساب ملکه و باقی همه در جمله آله های بازی او

بودند که با گذشت از مقابل اوشان، انتخاب همبستری را در همان شب می کرد و در هر هفته، یک دختر باکره هم باید به این جمع اضافه می گردید.

در برخی موارد، خودفروخته های دربار دختران خود را با دست خود تقدیم به شاهان می کردند و بعضی کسانی بودند که در دربار شاهان وظیفه دلال را داشتند تا دختران مقبول را با زور برچه برای شاهان می بردند که از درانی گرفته تا سدوزائی، احمد زائی و محمد زائیو غیر پشتون ها در این حرمسرای ها وجود داشتند. ما و شما با نام "رحیم غلام بچه" آشنائی داریم که با وجود این که شش دختر زیبا از سرزمین پنجشیر که دختران خودش بود و همچنان دیگر دختران پنجشیری را و بیشتر از تاشقرغان و نورستان بودند، به شاه و پسران ظاهر شاه تقدیم می کرد که به نام... گاو ظاهر شاه مشهور بود. یکی از بچه ای شاه به اثر این خواص تجاوزگرانه یک چشمش را از دست داد.

به این اساس دولت ها، افراد طبقات حاکمه و دین و مذهب به مردم می آموختند که ارزش زنان به جز یک آله سکس و فرزند آوردن و کار و بار خانه و تربیه طفل، ارزش دیگری نداشته و به درد بخور نیستند. با وجود کار بدون مزد زنان که سخت ترین کار ها بود و بچه آوردن و تربیه کردن آن با شرایط سخت کالا شوئی با دست، پختن غذا با چوب و هزاران کار شاقه دستی دیگر که با شرایط عقب نگه داشته شده در موقعیت فئودالی، نیمه فئودالی و نیمه مستعمراتی کشور که مرد و زن تحت ستم، اسیر، بی خانمان و بی چیز بودند؛ افزون بر آن، زنان به مالکیت شخصی مردان تبدیل شده بودند و این ملکیت و ذهنیت در بین مردان طبقات بالائی و پائینی جامعه مروج بود و مروج است.

ادامه دارد